

تخلفات و مجازات‌های اداری کارمندان

تدوین و تألیف:
مصطفی پوررحیم قورقچی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه	پوررحیم قورقچی، مصطفی، ۱۳۶۶ -
عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	تخلفات و مجازات‌های اداری کارمندان / تدوین و تالیف مصطفی پوررحیم قورقچی.
مشخصات نشر	تهران: دادبخش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۳۱۰ ص.
شابک	978-622-7194-68-5
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۸۵] - ۲۸۸.
موضوع	تخلفات اداری -- قوانین و مقررات -- ایران Misconduct in office -- Law and legislation -- Iran جرایم شغلی -- قوانین و مقررات -- ایران Employee crimes -- Law and legislation -- Iran ایران -- کارمندان و کارکنان -- وضع حقوقی و قوانین Iran -- Officials and employees -- Legal status, laws, etc
رده بندی کنگره	۴۵۱۴KMh
رده بندی دیویی	۵۵۰۲۳۲/۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۷۰۰۳۸۱



www.ketab.ir

تخلفات و مجازات‌های اداری کارمندان

دادبخش

مصطفی پوررحیم قورقچی

زمستان ۱۴۰۰

جلد ۵۰۰

۹۷۸-۶۲۲-۷۱۹۴-۶۸-۵

۱۱۰,۰۰۰ تومان

عنوان کتاب:

ناشر:

مؤلف:

چاپ اول:

شمارگان:

شابک:

قیمت:

تهران، میدان انقلاب، کارگر شمالی، کوچه رستم، پلاک ۲۱

۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۰۵-۶۶۴۶۲۸۵۶

dadbakhshlaw@gmail.com

حقوق این کتاب برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۲۹

فصل اول: کلیات ۳۱

مبحث اول - تعاریف مرتبط با عنوان کتاب.....	۳۲
گفتار اول - تعریف تخلف و انواع تخلفات اداری کارمندان.....	۳۲
بند اول - تعریف تخلف.....	۳۲
بند دوم - تفاوت‌های تخلف اداری و جرم جزایی.....	۳۴
بند سوم - انواع تخلفات اداری کارمندان.....	۳۸
گفتار دوم - تعریف مجازات و انواع مجازات‌های اداری کارمندان.....	۴۱
بند اول - تعریف مجازات.....	۴۱
بند دوم - انواع مجازات‌های اداری کارمندان.....	۴۳
گفتار سوم - کارمندان مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری.....	۴۷
مبحث دوم - مسئولیت‌های کارمندان.....	۵۲
گفتار اول - مسئولیت مدنی کارمندان.....	۵۳
گفتار دوم - مسئولیت کیفری کارمندان.....	۵۳
گفتار سوم - مسئولیت اداری کارمندان.....	۵۴
مبحث سوم - مقررات.....	۵۴
گفتار اول - قانون.....	۵۵
گفتار دوم - آیین‌نامه (نظام‌نامه).....	۵۶
گفتار سوم - تصویب‌نامه.....	۵۷
گفتار چهارم - دستورالعمل.....	۵۷
گفتار پنجم - بخش‌نامه.....	۵۸
گفتار ششم - تفاوت‌های آیین‌نامه، دستورالعمل اجرایی و بخش‌نامه.....	۶۱

فصل دوم: مراجع رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان ۶۳

مبحث اول - هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان.....	۶۴
---	----

- گفتار اول - جهات شروع به رسیدگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان..... ۶۴
- بند اول - شکایت یا اعلام اشخاص اعم از ارباب رجوع و سایر مردم..... ۶۵
- بند دوم - شکایت یا اعلام سایر کارمندان..... ۶۶
- بند سوم - شکایت یا اعلام مدیران، سرپرستان اداری، رؤسای دستگاه‌ها، وزیران و..... ۶۷
- بند چهارم - شکایت یا اعلام بازرسان هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری..... ۶۸
- بند پنجم - شکایت یا اعلام دفاتر بازرسی و پاسخگویی به شکایات..... ۶۹
- بند ششم - شکایت یا اعلام سازمان بازرسی کل کشور..... ۶۹
- بند هفتم - نقض رأی از سوی دیوان عدالت اداری یا هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری..... ۷۰
- بند هشتم - صندوق‌های دریافت شکایات..... ۷۱
- بند نهم - اعلام سایر مراجع صلاحیت‌دار..... ۷۱
- گفتار دوم - صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان..... ۷۲
- بند اول - لزوم احراز صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری..... ۷۲
- بند دوم - تکلیفی بودن صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری..... ۷۲
- بند سوم - جهات رد اعضاء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری..... ۷۳
- بند چهارم - ممنوعیت یا عدم ممنوعیت حضور اعلام‌کننده تخلف در رسیدگی..... ۷۴
- گفتار سوم - جمع‌آوری دلایل..... ۷۵
- بند اول - جمع‌آوری دلایل از طریق گروه تحقیق..... ۷۵
- بند دوم - ارجاع موضوع به کارشناس..... ۷۷
- بند سوم - شاهد و مطلع..... ۷۸
- بند چهارم - استعلام از مراجع ذی‌ربط..... ۷۸
- بند پنجم - تکلیف همکاری با هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری..... ۷۹
- بند ششم - لزوم تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی و تکمیل پرونده..... ۷۹
- بند هفتم - لزوم جمع‌آوری دلایل از سوی هیأت‌ها و اکتفا ننمودن به آرای مراجع قضائی..... ۸۰
- گفتار چهارم - رسیدگی و صدور رأی از سوی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان..... ۸۰
- بند اول - ابلاغ موارد اتهام به کارمند..... ۸۱
- بند دوم - جلسه رسیدگی..... ۸۳
- بند سوم - صدور رأی و مندرجات آن..... ۸۵
- بند چهارم - امکان رسیدگی به تخلفات جدید قبل از صدور رأی..... ۸۸

بند پنجم- توقف رسیدگی.....	۸۸
گفتار پنجم- موارد مهم در جریان رسیدگی به تخلفات اداری از سوی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان	۹۵
بند اول- ممنوعیت بلا تکلیف گذاشتن کارمند	۹۵
بند دوم- صرف ارتکاب تخلف مانع اشتغال کارمند نیست	۹۵
بند سوم- امکان آماده به خدمت نمودن کارمند	۹۶
بند چهارم- محدودیت تصمیم‌گیری در خصوص وضعیت استخدامی کارمند	۹۸
بند پنجم- رسیدگی خارج از نوبت	۹۸
بند ششم- مدت رسیدگی	۹۹
بند هفتم- لزوم ارجاع پرونده به مراجع قضایی در مورد تخلفات دارای وصف مجرمانه	۱۰۰
بند هشتم- عدم امکان اعمال بیش از یک مجازات اداری از سوی هیأت‌ها	۱۰۱
بند نهم- عدم امکان اعمال مجازاتی غیر از مجازات‌های اداری از سوی هیأت‌ها	۱۰۱
بند دهم- عدم امکان اظهار نظر هیأت‌ها نسبت به وضعیت استخدامی کارمند	۱۰۱
بند یازدهم- چگونگی اجتناب مواعد و مهلت‌های مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری ۱۰۲	۱۰۲
بند دوازدهم- عدم وجود مرور زمان در خصوص تخلفات اداری	۱۰۳
گفتار ششم- ابلاغ آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان	۱۰۵
بند اول- تعریف ابلاغ و انواع آن	۱۰۵
بند دوم- اهمیت ابلاغ	۱۰۸
بند سوم- مرجع ابلاغ	۱۰۹
بند چهارم- مهلت ابلاغ	۱۰۹
بند پنجم- اوراق مشمول ابلاغ	۱۰۹
بند ششم- ابلاغ در موارد خاص	۱۱۰
بند هفتم- گزارش مأمور ابلاغ و نحوه آن	۱۱۱
مبحث دوم- هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان	۱۱۱
گفتار اول- تعریف تجدیدنظر، آراء قابل تجدیدنظر، مهلت درخواست تجدیدنظر و تجدیدنظر خواه آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان	۱۱۲
بند اول- تعریف تجدیدنظر	۱۱۲
بند دوم- آراء قابل تجدیدنظر	۱۱۲
بند سوم- مهلت درخواست تجدیدنظر	۱۱۳
بند چهارم- تجدیدنظر خواه	۱۱۳

- گفتار دوم- مرجع دریافت درخواست تجدیدنظر، مرجع رسیدگی در مرحله تجدیدنظر و تشریفات رسیدگی در هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان..... ۱۱۴
- بند اول- مرجع دریافت درخواست تجدیدنظر..... ۱۱۴
- بند دوم- مرجع رسیدگی در مرحله تجدیدنظر..... ۱۱۴
- بند سوم- تشریفات رسیدگی در هیأت تجدیدنظر..... ۱۱۴
- بند چهارم- امکان تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر..... ۱۱۵
- بند پنجم- عدم امکان رسیدگی به تخلفات رسیدگی نشده در مرحله بدوی در مرحله تجدیدنظر..... ۱۱۵
- بند ششم- امکان استرداد تقاضای تجدیدنظر..... ۱۱۵
- بند هفتم- اصلاح یا تغییر رأی هیأت‌ها..... ۱۱۶
- گفتار سوم- اجرای آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان..... ۱۱۷
- بند اول- آراء قابل اجراء هیأت‌ها..... ۱۱۸
- بند دوم- تاریخ اجرای آراء هیأت‌ها..... ۱۱۸
- بند سوم- مرجع اجرای آراء هیأت‌ها..... ۱۱۹
- بند چهارم- توقف اجرای آراء هیأت‌ها..... ۱۱۹
- بند پنجم- خودداری یا جلوگیری از اجرای آراء هیأت‌ها..... ۱۳۱
- بند ششم- عدم نیاز به تقاضای شاکی یا اعلام‌کننده تخلف برای اجرای آراء هیأت‌ها..... ۱۳۲
- بند هفتم- آثار آراء هیأت‌ها..... ۱۳۲
- بند هشتم- لزوم اشتغال مستخدم پس از پایان مدت انفصال موقت..... ۱۳۴
- مبحث سوم- دیوان عدالت اداری..... ۱۳۵
- گفتار اول- آراء قابل شکایت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در دیوان عدالت اداری و مهلت شکایت از آن‌ها..... ۱۴۰
- بند اول- آراء قابل شکایت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در دیوان..... ۱۴۰
- بند دوم- مهلت شکایت از آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در دیوان..... ۱۴۱
- گفتار دوم- شاکی و طرف شکایت آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در دیوان عدالت اداری..... ۱۴۲
- بند اول- شاکی آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در دیوان..... ۱۴۲
- بند دوم- طرف شکایت آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در دیوان..... ۱۴۲
- گفتار سوم- صلاحیت، اختیارات و تشکیلات دیوان عدالت اداری..... ۱۴۳
- بند اول- صلاحیت‌ها و اختیارات دیوان..... ۱۴۳

بند دوم - تشکیلات دیوان.....	۱۴۳
گفتار چهارم - اجرای احکام دیوان عدالت اداری.....	۱۴۴
بند اول - مکلف بودن اشخاص و دستگاه‌های اجرایی به اجرای آراء دیوان.....	۱۴۴
بند دوم - نحوه اجرای آراء دیوان.....	۱۴۵
بند سوم - استتکاف از اجرای آراء دیوان.....	۱۴۶
بند چهارم - وجود مانع، مشکل و ابهام در اجرای آراء دیوان.....	۱۴۷
بند پنجم - توقف اجرای احکام دیوان.....	۱۴۸
گفتار پنجم - ویژگی‌های نظارت دیوان عدالت اداری.....	۱۷۰
بند اول - قضایی و تابع تشریفات بودن نظارت دیوان.....	۱۷۰
بند دوم - قابلیت اعمال نظارت دیوان نسبت به آراء قطعی.....	۱۷۰
بند سوم - محدود بودن نظارت دیوان به زمان مشخص.....	۱۷۰
بند چهارم - داشتن ضمانت اجرای مشخص نظارت دیوان.....	۱۷۰
مبحث چهارم - هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان.....	۱۷۱
گفتار اول - انواع نظارت‌های هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان.....	۱۷۳
بند اول - نقض و ابطال تمام یا بعضی از تصمیمات و آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری.....	۱۷۳
بند دوم - توقف رسیدگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در تمام مراحل.....	۱۷۳
بند سوم - انحلال هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری.....	۱۷۴
بند چهارم - تصویب برکناری اعضای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری.....	۱۷۴
بند پنجم - اجازه اصلاح آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری.....	۱۷۵
بند ششم - حل اختلاف بین هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری.....	۱۷۵
گفتار دوم - جهات نقض و ابطال آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان.....	۱۷۶
گفتار سوم - رسیدگی هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان.....	۱۷۷
گفتار چهارم - ویژگی‌های نظارت هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان.....	۱۷۸
بند اول - نظارت اداری هیأت عالی نظارت.....	۱۷۸
بند دوم - نظارت عام هیأت عالی نظارت.....	۱۷۸
بند سوم - عدم تبعیت از زمان خاص نظارت هیأت عالی نظارت.....	۱۷۹
بند چهارم - عدم نیاز به شکایت نظارت هیأت عالی نظارت.....	۱۷۹

- بند پنجم- ماهوی یا شکلی بودن رسیدگی هیأت عالی نظارت..... ۱۸۰
- گفتار پنجم- مقایسه نظارت دیوان عدالت اداری و هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان..... ۱۸۲
- بند اول- شباهت‌های نظارت دیوان و هیأت عالی نظارت..... ۱۸۲
- بند دوم- تفاوت‌های نظارت دیوان و هیأت عالی نظارت..... ۱۸۲
- گفتار ششم- سایر نظارت‌ها بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان..... ۱۸۳
- بند اول- نظارت سازمان بازرسی کل کشور..... ۱۸۳
- بند دوم- نظارت نماینده وزیر در امور هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان (مسئول هماهنگی هیأت‌ها)..... ۱۸۴
- بند سوم- نظارت بالاترین مقام دستگاه اداری..... ۱۸۷
- بند چهارم- نظارت اعضای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری..... ۱۸۷
- بند پنجم- نظارت مراجع نظارتی دستگاه مربوط..... ۱۸۸
- بند ششم- نظارت پارلمانی..... ۱۸۸

فصل سوم: تخلفات اداری کارمندان..... ۱۸۹

- مبحث اول- تخلفات اداری محض..... ۱۹۲
- گفتار اول- اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری..... ۱۹۳
- گفتار دوم- نقض قوانین و مقررات مربوط..... ۱۹۴
- گفتار سوم- ایجاد ناراضیتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آن‌ها بدون دلیل..... ۱۹۵
- گفتار چهارم- ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری..... ۱۹۶
- گفتار پنجم- تکرار در تأخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج از آن بدون کسب مجوز..... ۱۹۸
- گفتار ششم- غیبت غیر موجه به صورت متناوب یا متوالی..... ۱۹۹
- گفتار هفتم- سرپیچی از اجرای دستورهای مقام‌های بالاتر در حدود وظایف اداری..... ۲۰۲
- گفتار هشتم- کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده..... ۲۰۳
- گفتار نهم- تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری..... ۲۰۴
- گفتار دهم- دادن نمره یا امتیاز، بر خلاف ضوابط..... ۲۰۴
- گفتار یازدهم- عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند..... ۲۰۴
- گفتار دوازدهم- همکاری با ساواک منحل به عنوان مأمور یا منبع خبری و داشتن فعالیت یا دادن گزارش ضد مردمی..... ۲۰۵

گفتار سیزدهم- عضویت در سازمان‌هایی که مرامنامه یا اساسنامه آن‌ها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آن‌ها.....	۲۰۵
گفتار چهاردهم- عضویت در تشکیلات فراماسونری.....	۲۰۶
مبحث دوم- تخلفات اداری واجد عنوان مجرمانه.....	۲۰۶
گفتار اول- ایراد تهمت، افترا و هتک حیثیت.....	۲۰۸
گفتار دوم- اخاذی.....	۲۰۹
گفتار سوم- اختلاس.....	۲۰۹
گفتار چهارم- تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیر اداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص.....	۲۱۲
گفتار پنجم- تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی و ایراد خسارات به اموال دولتی.....	۲۱۷
گفتار ششم- افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری.....	۲۱۹
گفتار هفتم- ارتباط و تماس غیر مجاز با اتباع بیگانه.....	۲۲۰
گفتار هشتم- سهل انگاری رؤسا و مدیران در ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت امر.....	۲۲۱
گفتار نهم- ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری.....	۲۳۸
گفتار دهم- گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هر گونه مالی که در عرف رشوه‌خواری تلقی می‌شود.....	۲۳۹
گفتار یازدهم- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاص که حق دریافت آن را دارند.....	۲۴۲
گفتار دوازدهم- رعایت نکردن حجاب اسلامی.....	۲۴۳
گفتار سیزدهم- رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی.....	۲۴۳
گفتار چهاردهم- اختفا، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر.....	۲۴۳
گفتار پانزدهم- استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر.....	۲۴۴
گفتار شانزدهم- داشتن شغل دولتی دیگر به استثنای سمت‌های آموزشی و تحقیقاتی.....	۲۴۴
گفتار هفدهم- هر نوع استفاده غیر مجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی.....	۲۴۷
گفتار هجدهم- جعل یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی.....	۲۴۸
گفتار نوزدهم- دست بردن در سؤالات، اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سؤالات امتحانی یا تعویض آن‌ها.....	۲۴۹
گفتار بیستم- سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری.....	۲۵۰
گفتار بیست و یکم- توقیف، اختفا، بازرسی یا باز کردن پاکت‌ها و محمولات پستی یا معدوم کردن آن‌ها و استراق سمع بدون مجوز قانونی.....	۲۵۱

گفتار بیست و دوم- کارشکنی و شایعه پراکنی، یا تحریک دیگران به کار شکنی و کم کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای گروهی برای مقاصد غیر قانونی..... ۲۵۲

گفتار بیست و سوم- شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی یا تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی و اعمال فشارهای گروهی برای مقاصد غیر قانونی..... ۲۵۲

گفتار بیست و چهارم- عضویت در گروه‌های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آن‌ها..... ۲۵۳

فصل چهارم: مجازات‌های اداری کارمندان ۲۵۵

مبحث اول- مجازات‌های اداری که موجب قطع رابطه استخدامی کارمند با دستگاه متبوع او نمی‌گردد..... ۲۵۸

گفتار اول- اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی..... ۲۵۸

گفتار دوم- توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی..... ۲۵۹

گفتار سوم- کسر حقوق و فوق‌العاده شغل یا عناوین مشابه حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال..... ۲۵۹

گفتار چهارم- تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال..... ۲۶۱

گفتار پنجم- تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری..... ۲۶۱

گفتار ششم- تنزل یک یا دو گروه و یا تعلیق در اعطای یک یا دو گروه به مدت یک یا دو سال..... ۲۶۴

مبحث دوم- مجازات‌های اداری که موجب قطع رابطه استخدامی کارمند با دستگاه متبوع او می‌گردد..... ۲۶۴

گفتار اول- انفصال موقت از یک ماه تا یک سال..... ۲۶۴

گفتار دوم- بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین زن و کمتر از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین مرد با پرداخت ۳۰٪ تا ۴۵٪ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به تشخیص هیأت صادرکننده رأی..... ۲۷۴

گفتار سوم- بازنشستگی در صورت داشتن بیش از بیست سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین مرد بر اساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه..... ۲۷۷

گفتار چهارم- اخراج از دستگاه متبوع..... ۲۷۸

گفتار پنجم- انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری..... ۲۸۱

پیوست‌ها..... ۲۸۵

منابع و مأخذ..... ۳۰۷

«به نام خداوند بخشنده و مهربان»^۱

این فرمان بنده خدا علی امیرمؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث است. در عهده‌ی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزینند، تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.

۱- **ضرورت خودسازی** را به ترس از خدا فرمان می‌دهد و این‌که اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت‌ها را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهد گردید. به او فرمان می‌دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند؛ زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را یاری دهد و بزرگ دارد، آن کس را که او را بزرگ شمارد و به او فرمان می‌دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد و به هنگام سرکشی رامش کند که: «همانا نفس همواره به بدی وا می‌دارد، جز آن که خدا رحمت آورد». پس ای مالک بدان من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستمگری بر آن حکم راندند و مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری و درباره‌ی تو آن می‌گویند که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی و همانا نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگانش جاری ساخت. پس نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد، هوای نفس را در اختیار گیر و از آنچه حلال نیست خویش‌داری کن؛ زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف پیمایی.

۲- **اخلاق رهبری** روش برخورد با مردم، مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در

آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان‌گیر، آن گونه که دوست‌داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر و امام تو از تو برتر و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است. هرگز با خدا مستیز که تو را از کیفر او نجاتی نیست و از بخشش و رحمت او بی‌نیاز نخواهی بود. بر بخشش دیگران پشیمان مباش و از کیفر کردن شادی مکن و از خشمی که توانی از آن رها گردی، شتاب نداشته باش. به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم. پس باید اطاعت شود که این گونه خود بزرگ بینی دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت‌هاست و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی، به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است، بنگر که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد و تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند.

۳- پرهیز از غرور و خود پسندی، پرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند پنداری و در شکوه خداوندی، همانند او دانی؛ زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خود پسندی را بی‌ارزش می‌کند. با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن که اگر چنین نکنی، ستم روا داشتی و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد، خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را نپذیرد که با خدا سر جنگ دارد، تا آنکه که باز گردد یا توبه کند و چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد که خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است.

۴- مردم گرایی و حق گرایی، دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد؛ اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند؛ زیرا در روزگار سختی یا ریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر

و در برابر مشکلات کم استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند؛ پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد.

۵- **ضرورت راز داری، از رعیت، آنان را که عیب‌جو ترند از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است؛ پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه که هویدا است بپوشانی که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد؛ پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان، تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بپوشاند، گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن و از آنچه که در نظر روشن نیست، کناره گیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می‌شود؛ اما خیانتکار است.**

۶- **جایگاه صحیح مشورت، بخیل را در مشورت کردن دخالت نده که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. خریص را در مشورت کردن دخالت نده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرائز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است. بدترین وزیران تو، کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته؛ پس مبدا چنین افرادی محرم راز تو باشند؛ زیرا که آنان یاوران گناهکاران و یاری دهندگان ستمکارانند. تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی که قدرت فکری امثال آنها را داشته؛ اما گناهان و کردار زشت آنها را نداشته باشند؛ کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده و گناه کاری را در گناهی کمک نرسانده باشند. هزینه این گونه از افراد بر تو سبک‌تر و یاریشان بهتر و مهربانی‌شان بیشتر و دوستی آنان با غیر تو کمتر است. آنان را از خواص و دوستان نزدیک و راز داران خود قرار ده؛ سپس از میان آنان افرادی را که در حق گویی از همه صریح‌ترند و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مدد کار نباشند، انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند.**

۷- **اصول روابط اجتماعی رهبران، تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگویان بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند و تو را برای اعمال زشتی که انجام نداده‌ای**

تشویق نکنند که ستایش بی‌اندازه، خود پسندی می‌آورد و انسان را به سرکشی و می‌دارد. هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند؛ پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. بدان ای مالک، هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد؛ پس در این راه آن قدر بکوش، تا به وفاداری رعیت، خوش‌بین شوی که این خوش‌بینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می‌دارد؛ پس به آنان که بیشتر احسان کردی بیشتر خوش‌بین باش و به آنان که بدرفتاری کردی بدگمان‌تر باش و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، برهم مزین و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیاور که پاداش برای آورنده سنت و کیفر آن برای تو باشد که آنها را در هم شکستی. با دانشمندان، فراوان گفتگو کن و با حکیمان، فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت.

۸- شناخت اقشار گوناگون اجتماعی، ای مالک، بدان مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها، از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی و قضات دادگستر و کارگزاران عدل و نظم اجتماعی و جزیه دهندگان و پرداخت‌کنندگان مالیات و تجار و بازرگانان و صاحبان صنعت و پیشه‌وران و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن‌ها را در قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است؛ پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند و آن قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومتند که قراردادهای و معاملات را استوار می‌کنند و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند و

در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند و گروه‌های یاد شده، بدون بازرگانان و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند؛ زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند و در بازارها عرضه می‌کنند و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندانند که باید به آن‌ها بخشش و یاری کرد. برای تمام اقشار گوناگون یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار، حقی مشخص دارند و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد، جز آن که تلاش فراوان نماید و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد.

اول: سیمای نظامیان

برای فرماندهی سپاه کسی را بر گزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام تو بیشتر و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید و عذر پذیرتر باشد و بر ناتوان رحمت آورد و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان که دلاور و سلح‌شور و بخشنده و بلند نظرند، روابط نزدیک برقرار کن، آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند. پس در کارهای آنان به گونه‌ای بیندیش که پدری مهربان در باره فرزندش می‌اندیشد و مبدا آنچه را که آنان را بدان نیرومند می‌کنی در نظرت بزرگ جلوه کند و نیکوکاری تو نسبت به آنان هر چند اندک باشد، خوار مپندار؛ زیرا نیکی، آنان را به خیرخواهی تو خواند و گمانشان را نسبت به تو نیکو گرداند و رسیدگی به امور کوچک آنان را به خاطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وا مگذار؛ زیرا از نیکی اندک تو سود می‌برند و به نیکی - های بزرگ تو بی‌نیاز نیستند. برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو، کسی باشد که از همه بیشتر به سربازان کمک رساند و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه‌ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن، سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند. همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل‌هایشان را به تو می‌کشاند، و همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری

عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است که محبت دل‌های رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت گذاشته باشد و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملت ناگوار نباشد. پس آرزوهای سپاهیان را بر آور و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار؛ زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را بر می‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش و می‌دارد، ان شاء الله. در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشته و ارزش خدمت او را ناچیز شمار، تا شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری، یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی. مشکلاتی که در احکام نظامیان برای تو پدید می‌آید و اموری که برای تو شبهه‌ناکند، به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باز گردان؛ زیرا خدا برای مردمی که علاقه داشته هدایتشان کند فرموده است: «ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا و رسول و امامانی که از شما هستند اطاعت کنید و اگر در چیزی نزاع دارید، آن را به خدا و رسولش باز گردانید»؛ پس باز گرداندن چیزی به خدا، یعنی عمل کردن به قرآن و باز گرداندن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی عمل کردن به سنت او که وحدت بخش است، نه عامل پراکنده‌گی.

دوم: سیمای قضا و داوران

سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کند و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندکند. پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آن قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرمی دار که

نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد. در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود که با نام دین به هوا پرستی پرداخته و دنیای خود را به دست می‌آوردند.

سوم؛ سیمای کارگزاران دولتی

سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان‌های پاکیزه و باتقوی که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع و روزی‌شان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا کفر امانت تو خیانت کنند. سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر. سپس او را خواردار و خیانتکار بشمار و طوق بد نامی به گردنش بیفکن.

چهارم؛ سیمای مالیات دهندگان

مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت؛ زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد.

پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب

چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده، تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد؛ زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد و رعیت تو را می‌ستایند و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد، بدان چه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی و با گسترش عدالت در بین مردم و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت، آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهدشان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت؛ زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است و تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند.

پنجم: سیمای نویسندگان و منشیان

سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش و کارهایت را به بهترین آنان واگذار و نامه‌های محرمانه که در بر دارند سیاست‌ها و اسرار تو است، از میان نویسندگان به کسی اختصاص ده که صالح‌تر از دیگران باشد، کسی که گرمای داشتن، او را به سرکشی و تجاوز نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند و در رساندن نامه کارگزارانت به تو، یا رساندن پاسخ‌های تو به آنان کوتاهی نکند و در آنچه برای تو می‌ستاند یا از طرف تو به آنان تحویل می‌دهد، فراموش کار نباشد و در تنظیم هیچ قراردادی سستی نورزد و در برهم زدن قراردادی که به زیان توسست کوتاهی نکند و منزلت و قدر خویش را بشناسد، همانا آن که از شناخت قدر خویش عاجز باشد، در شناخت قدر دیگران جاهل‌تر است. مبدا در گزینش نویسندگان و منشیان، بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و خوش باوری خود تکیه نمایی؛ زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و خوش خدمتی، نظر زمامداران را به خود جلب می‌نمایند که در پس این ظاهرسازی‌ها، نه خیرخواهی وجود دارد و نه از امانت‌داری نشانی یافت می‌شود؛ لکن آنها را با خدماتی که برای زمامداران شایسته و پیشین انجام داده‌اند بیازمائی، به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته و به امانت‌داری از همه مشهورترند که چنین انتخاب درستی نشان دهنده خیرخواهی تو برای خدا و مردمی

است که حاکم آنانی؛ برای هر یک از کارهای سرپرستی بر گزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد و فراوانی کار او را درمانده نسازد و بدان که هرگاه در کار نویسندگان و منشیان تو کمبودی وجود داشته باشد که تو بی خبر باشی خطرات آن دامنگیر تو خواهد بود.

ششم؛ سیمای بازرگانان و صاحبان صنایع

سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آن‌ها بیندیش چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه که تذکر هادم این راهم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و احتکارکننده‌اند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند که این سودجویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود؛ اما در کیفر او اسراف نکن.

هفتم؛ سیمای محرومان و مستضعفان

سپس خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند و عبارتند از: زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویش‌داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند؛ پس برای خدا پاسدار حقّی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال و بخشی از غلّه‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص

ده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبدا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی؛ زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دل‌جویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگرچه حق، تماش سنگین است؛ اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وا می‌دارند و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند، پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملت‌ی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد»؛ پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگ‌خویی و خود بزرگ‌بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید و تو را پاداش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و پوزش‌خواهی همراه باشد.

۹- اخلاق اختصاصی رهبری، بخشی از کارها به گونه‌ای است که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به کارگزاران دولتی، در آنجا که منشیان تو از پاسخ دادن به آنها درمانده‌اند و دیگر، بر آوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند و یارانت در رفع نیاز آنان ناتوانند، کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روزی، کاری

مخصوص به خود دارد. نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن، اگر چه همه وقت برای خداست، اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد. از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است. پس در بخشی از شب و روز، وجود خود را به پرستش خدا اختصاص ده و آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند. بی‌عیب و نقصانی انجام ده، اگر چه دچار خستگی جسم شوی. هنگامی که نماز به جماعت می‌خوانی، نه با طولانی کردن نماز، مردم را بپراکن و نه آن که آن را تباه سازی؛ زیرا در میان مردم، بیمار یا صاحب حاجتی وجود دارد. آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا به یمن می‌فرستاد، از او پرسیدم، با مردم چگونه نماز بخوانم فرمود: «در حد توان ناتوانان نماز بگذار و بر مؤمنان مهربان باش» هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد؛ پس کار بزرگ، اندک و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت و زشت زیبا می‌نماید، و باطل به لباس حق در آید همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند نمی‌داند و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود و تو به هر حال یکی از آن دو نفر می‌باشی: یا خود را برای جالبازی در راه حق آماده کرده‌ای که در این حال، نسبت به حق واجبی که باید بردازی یا کار نیکی که باید انجام دهی ترسی نداری؛ پس چرا خود را پنهان می‌داری و یا مردی بخیل و تنگ نظری که در این صورت نیز مردم چون تو را بنگرند مأیوس شده از درخواست کردن باز مانند. با این که بسیاری از نیازمندی های مردم رنجی برای تو نخواهد داشت که شکایت از ستم دارند یا خواستار عدالتند، یا در خرید و فروش خواهان انصافند.

۱۰- اخلاق رهبری با خویشاوندان، همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند. حق را

به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز و در این کار شکیبای باش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار، گرچه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز و هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش خواهی تو آنان را به حق وای می‌دارد.

۱۱- **روش برخورد با دشمن**، هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد. لکن زنه‌ار زنه‌ار از دشمن خود پس از آشتی کردن؛ زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند؛ پس دوراندیش باش و خوش‌بینی خود را متهم کن. حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ یک از واحیات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند، تا آنجا که مشرکین زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند؛ زیرا که آینده ناگوار پیمان شکنی را آزمودند. پس هرگز پیمان شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده؛ زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد، خداوند عهد و پیمانی که با نام او شکل می‌گیرد با رحمت خود مایه آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه آورندگان قرار داده است، تا همگان به حریم اَمْن آن روی بیاورند. پس فساد، خیانت، فریب، در عهد و پیمان راه ندارد. مبدا قراردادی را امضاء کنی که در آن برای دغل‌کاری و فریب راههایی وجود دارد و پس از محکم‌کاری و دقت در قراردادنامه، دست از بهانه جویی بردار، مبدا مشکلات پیمانی که بر عهدهات قرار گرفته و خدا آن را بر گردنت نهاده، تو را به پیمان شکنی وا دارد؛ زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان‌ها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کیفر آن می‌ترسی و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخ‌گوی پیمان شکنی باشی.

اول: هشدار از خون ناحق

از خونریزی بهره‌یز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان، نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده داوری خواهد کرد؛ پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن؛ زیرا خون ناحق، پایه‌های حکومت را سست و پست می‌کند و بنیاد آن را بر کنده، به دیگری منتقل سازد و تو، نه در نزد من و نه در پیشگاه خداوند، عذری در خون ناحق نخواهی داشت چرا که کیفر آن قصاص است و از آن سگریزی نیست. اگر به خطا خون کسی ریختی، یا تازیانه یا شمشیر، یا دستت دچار تند-روی شد که گاه مشتی سبب کشتن کسی می‌گردد، چه رسد به بیش از آن. مبدا غرور قدرت تو را از پرداخت خون‌بها به بازماندگان مقتول باز دارد.

دوم: هشدار از خود پسندی

مبدا هرگز دچار خود پسندی گردی و به خوبی‌های خود اطمینان کنی و ستایش را دوست داشته باشی که این‌ها همه از بهترین فرصت‌های شیطان برای هجوم آوردن به توست و کردار نیک، نیکوکاران را نابود سازد.

سوم: هشدار از منت‌گذاری

مبدا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت‌گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌ای داده؛ سپس خلف وعده نمایی. منت‌نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگویند و عمل نکنند».

چهارم: هشدار از شتاب‌زدگی

مبدا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی و یا در چیزی که (حقیقت آن) روشن نیست سستیزه جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی. تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی.

پنجم: هشدار از امتیازخواهی

مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی‌خواهی از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی و به زودی پرده از کارها یک سو رود و انتقام ستم‌دیده را از تو باز می‌گیرند. باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست، تندى زیانت را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتاب‌زدگی و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده، تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا. آنچه بر تو لازم است آن که حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های با ارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و واجباتی که در کتاب خداست، را همواره به یاد آوری و به آنچه ما عمل کرده‌ایم پیروی کنی و برای پیروی از فرامین این عهدنامه‌ای که برای تو نوشته‌ام و با آن حجت را بر تو تمام کرده‌ام، تلاش کن؛ زیرا اگر نفش سرکشی کرد و بر تو چیره شد عذری نزد من نداشته باشی. از خداوند بزرگ، با رحمت گسترده و قدرت برترش در انجام تمام خواسته‌ها، درخواست می‌کنیم که به آنچه موجب خشنودی اوست ما و تو را موفق فرماید که نزد او و خلق او، دارای عذری روشن باشیم، برخوردار از ستایش بندگان، یادگار نیک در شهرها، رسیدن به همه نعمت‌ها و کرامت‌ها بوده و این که پایان عمر من و تو را به شهادت و رستگاری ختم فرماید که همانا ما به سوی او باز می‌گردیم. با درود به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاکیزه و پاک او. درودی فراوان و پیوسته. با درود.